

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِلَهِي كَمْ مِنْ عَدُوٍّ أَنْتَضَى عَلَى سَيْفِ عَدَاوَتِهِ، وَ شَحَذَ لِي طَبَّةَ مِدْيَتِهِ، وَ أَرْهَفَ لِي شَبَابَ حَدِّهِ، وَ دَافَ لِي قَوَائِلَ سُمُومِهِ، وَ سَدَّدَ لِي صَوَائِبَ سِهَامِهِ، وَ لَمْ تَنْمَ عَنِّي عَيْنُ حِرَاسَتِهِ، وَ أَضْمَرَ أَنْ يَسُومَنِي الْمَكْرُوهَ، وَ يَجْرَعَنِي دُعَافَ مَرَارَتِهِ؛

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشه است، خدایا چه بسیار دشمنی که شمشیر دشمنی اش را به روی من کشید و لبه تیغش را برای من تیز کرد و دم برنده اسلحه اش را باریک ساخت و زهرهای کشنده اش را برای من درهم آمیخت و تیرهای بی خطایش را به سوی من نشانه گرفت و چشم نگهبانش از من به خواب نرفت و پنهان بر آن است تا مرا در معرض امور ناخوشایند قرار دهد و به من بچشاند زهر جگر سوزش را؛

فَنَظَرْتُ إِلَى ضَعْفِي عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَاحِشِ وَ عَجَزِي عَنِ الْاِنْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَتِي بِمُحَارَبَتِهِ، وَ وَخَدَتِي فِي كَثِيرٍ مِمَّنْ نَوَانِي وَ اُرْصَدَ لِي فِيمَا لَمْ اَعْمَلْ فِكْرِي فِي الْاِرْصَادِ لَهُمْ بِمِثْلِهِ، فَأَيْدَتْنِي بِقُوَّتِكَ، وَ شَدَّدْتَ اُرْزِي بِنُصْرَتِكَ، وَ قَلَّلْتَ لِي حَدَّهُ، وَ خَذَلْتَهُ بَعْدَ جَمْعِ عَدِيدِهِ وَ حَشَدِهِ، وَ اَعْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيْهِ؛

خدایا به ناتوانی من نگرستی که تاب حوادث بزرگ را ندارم و درماندگی ام را از انتقام گرفتن از آنکه با ستیزه جویی اش قصد من کرده، دیدی و تنهایی ام را در برابر بسیاری از آنان که آزار مرا اراده کرده اند و در کمین من نشستند، مشاهده کردی و در آنچه اندیشه ام را برضد آنان برای مقابله به مثل بکار نگرفتم، پس مرا به نیرویت حمایت کردی و پشتم را با یاریت محکم نمودی و تیغ او را به نفع من کند کردی و او را پس از جمع آوری نفرات و تجهیزاتش خوار نمودی و مقام و جایگاه مرا بر او برتری دادی؛

وَوَجَّهْتَ مَا سَدَّدَ إِلَيَّ مِنْ مَكَائِدِهِ إِلَيْهِ، وَ رَدَدْتَهُ عَلَيْهِ، وَ لَمْ يَشْفِ غَلِيلَهُ، وَ لَمْ تَبْرُدْ حَزَازَاتُ غَيْظِهِ، وَ قَدْ عَضَّ عَلَى اَنَامِلِهِ، وَ اَدْبَرَ مُؤَلِيًا قَدْ اُخْفَقَتْ سَرَابَاةً، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبَّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلَبُ، وَ ذِي اَنَاهٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِغَمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ لِالَّاِيك مِنَ الدَّاكِرِينَ؛

و آنچه را از نیرنگ هایش به سوی من هدف گرفته بود به سوی خودش بازگرداندی و برضد او به کار بستی، ولی عطش کینه اش فرو نشست و سوزش دل برآمده از خشمش سرد نشد درحالی که از عصبانیتش بر من انگشت به دندان گزید و پشت کرده پا به فرار نهاد و سپاه و نفراتش تارومار شد، پس تو را سپاس ای پروردگار از توانایی ات که شکست نپذیرد و بردباری ات که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا در برابر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهايت از یادکنندگان قرار ده؛

إِلَهِي وَ كَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِي بِمَكَائِدِهِ، وَ نَصَبَ لِي اَشْرَاكَ مَصَائِدِهِ، وَ وَكَلَ بِي تَفَقُّدَ رِعَابَتِهِ، وَ اَضْبَأَ إِلَيَّ اِضْبَاءَ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ، اُنْتَظَارًا لِانْتِهَازِ فُرْصَتِهِ، وَ هُوَ يَظْهَرُ بِشَاشَةِ الْمَلَقِ، وَ يَبْسُطُ وَجْهًا غَيْرَ طَلِقٍ،

خدایا چه بسیار متجاوزی که با نیرنگ هایش به من ستم کرد و دام های شکارگیرش را در راهم نهاد و توجه جستجوگرانه اش را بر من گماشت و در کمین من نشست، همچون کمین گذاردن درنده ای برای شکار خویش برای به دست آوردن فرصت مناسب درحالی که خوش رویی چاپلوسانه نشان داده و به سختی گشاده رویی می کرد،

فَلَمَّا رَأَيْتَ دَغَلَ سَرِيرَتِهِ، وَ فَبِحَ مَا اَنْطَوَى عَلَيْهِ لِشَرِيكِهِ فِي مَلَّتِهِ، وَ اَصْبَحَ مُجْلِبًا لِي فِي بَغِيهِ اُرْكَسْتَهُ لَأَمِّ رَأْسِهِ، وَ اَتَيْتَ بُنْيَانَهُ مِنْ اَسَاسِهِ، فَصَرَغْتَهُ فِي رُؤْيَتِهِ، وَ رَدَيْتَهُ فِي مَهْوِي حُفْرَتِهِ، وَ جَعَلْتَ خَدَّهُ طَبَقًا لِتُرَابِ رِجْلِهِ؛ وَ شَغَلْتَهُ فِي بَدَنِهِ وَ رِزْقِهِ، وَ رَمَيْتَهُ بِحَجْرِهِ، وَ خَنَقْتَهُ بِوَتْرِهِ، وَ ذَكَيْتَهُ بِمَشَاقِصِهِ، وَ كَبَبْتَهُ لِمَنْجِرِهِ، وَ رَدَدْتَ كِيدَهُ فِي نَحْرِهِ، وَ رَبَقْتَهُ بِبِنْدَامَتِهِ، وَ فَسَأْتَهُ بِحَسْرَتِهِ،

پس چون حيله گری نهادش و زشتی پندار نهفته اش را آن هم بر زبان هم کیشش مشاهده نمودی درحالی که به بامداد درآمد به امید آنکه در ستمش بر من هجوم آورد، پس تو او را سرنگون ساختی و ریشه اش را از بیخ و بن برکندی و او را در چاهی که برای من کنده بود و در ژرفای گودالش در انداختی و گونه اش را همپای خاک پایش قرار دادی؛ و او را به جسم و روزی اش سرگرم کردی و او را با سنگ خودش زدی و با زه کمان خودش خفه اش ساختی و با سر نیزه های خودش نابودش کردی و به رو به خاک مذلت انداختی و حيله اش را به گردنش برگرداندی و به بند پشیمانی گرفتارش کردی و به سبب حسرتش به باد فنایش دادی،

فَاسْتَخْذُوا وَتَضَاءَلَ بَعْدَ نَخْوَتِهِ، وَانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِيلًا مَأْسُورًا فِي رُبُقِ حِبَالَتِهِ الَّتِي كَانَ يُؤَمِّلُ أَنْ يَرَانِي فِيهَا يَوْمَ سَطْوَتِهِ، وَقَدْ كَدْتُ يَا رَبِّ لَوْلَا رَحْمَتُكَ أَنْ يَحُلَّ بِي مَا حَلَّ بِسَاحَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ، وَذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَيْتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ؛

ازاین رو پس از کبر و نخوتش خوار و کوچک شد و به دنبال گردن فرازی اش پست و فرومایه شد و در بند دامی که روز گردن کشی اش آرزو داشت مرا در میان آن ببیند، اسیر شد و چه نزدیک بود پروردگارا اگر رحمت نبود بر من فرود آید، آنچه دامن زندگی او را فرا گرفت، پس تو را سپاس پروردگارا که توانای شکست ناپذیری و بردباری شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار بده؛

إِلَهِي وَكَمْ مِنْ حَاسِدٍ شَرِقَ بِحَسْرَتِهِ، وَعَدُوٍّ شَجِيَ بِغَيْظِهِ، وَ سَلَقْنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ، وَ وَخَزَنِي بِمُوقٍ عَيْنِهِ، وَجَعَلَنِي غَرَضًا لِمَرَامِيهِ، وَقَلَّدَنِي خِلَالَ لَمْ نَزَلَ فِيهِ؟

خدایا چه بسیار حسودی که از روی حسرت برافروخته گشت و دشمنی که به سبب خشمش به سختی اندوهناک شد و مرا با نیش زبانش آزرده ساخت و مزگانیش را چون نیزه ای به بدنم فرو برد و مرا هدف تیرهای سرزنش کرد و کاستی هایی را به گردنم انداخت که همواره در خود اوست،

نَادَيْتُكَ يَا رَبِّ مُسْتَجِيرًا بِكَ، وَاثِقًا بِسُرْعَةِ إِجَابَتِكَ، مُتَوَكِّلًا عَلَى مَا لَمْ أزلُ أُنْعَرَفُهُ مِنْ حُسْنِ دِفَاعِكَ، عَالِمًا أَنَّهُ لَا يَضْطَهُدُ مَنْ أُوِيَ إِلَيَّ ظِلَّ كَنْفِكَ؛ وَلَنْ تَقْرَعَ الْحَوَادِثُ مَنْ لَجَأَ إِلَى مَعْقِلِ الْإِنْتِصَارِ بِكَ، فَحَصَّنْتَنِي مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ، وَذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَيْتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ؛

پروردگارا پناه جویانه تو را خواندم، درحالی که اطمینان به سرعت اجابت تو داشتم، توکل کنان به آنچه همواره از خوبی دفاعت می دانستم، با آگاهی به اینکه هرکه رخت به سایه حمایتت کشد، مورد آزار واقع نگردد؛ و کسی که به قلعه مددجویی تو پناه آورد، هرگز حوادث روزگار او را درهم نکوبد، پس به قدرتت مرا از آزار او حفظ کردی، بنابراین تو را سپاس ای پروردگار که توانای شکست ناپذیری و بردباری که هرگز شتاب نکنی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار بده؛

إِلَهِي وَكَمْ مِنْ سَحَابٍ مَكْرُوهٍ جَلَّتْهَا، وَ سَمَاءٍ نِعْمَةٍ مَطَرَتْهَا، وَ جَدَاوِلٍ كَرَامَةٍ أُجْرِيَتْهَا، وَ أَعْيُنٍ أَحْدَاثٍ طَمَسَتْهَا، وَ نَاشِئَةٍ رَحْمَةٍ نَشَرَتْهَا، وَ جُنَّةٍ عَافِيَةٍ أَلْبَسَتْهَا، وَ غَوَامِرٍ كَرِبَاتٍ كَشَفَتْهَا، وَ أُمُورٍ جَارِيَةٍ قَدَّرَتْهَا، لَمْ تُعْجِزْكَ إِذْ طَلَبْتَهَا، وَ لَمْ تَمْتَنِعْ مِنْكَ إِذْ أُرِدْتَهَا، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ، وَ ذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَيْتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ؛

خدایا چه بسیار ابرهای ناملايمات که از فضای زندگی ام زدودی و آسمان نعمتی که بر من باراندی و نهرهای بخشنده گی که به سوی من روان ساختی و چشمه های حوادثی که نابود کردی و نهال رحمتی که گسترده و زره عافیتی که بر من پوشاندی و گرداب های گرفتاری که برطرف کردی و امور جاریه ای که مقدر فرمودی، آنگاه که این امور را پی گیری کردی، درمانده ات نکردند و هر زمان که آن ها را اراده فرمودی از فرمان برداری خودداری نمودند، پس تو را سپاس ای پروردگار که توانای شکست ناپذیری و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا به نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار بده؛

إِلَهِي وَ كَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنِ حَقَّقْتِ، وَ مِنْ كَسْرِ إِمْلَاقٍ جَبَرْتِ، وَ مِنْ مَسْكَنَةٍ فَادِحَةٍ حَوَّلْتِ، وَ مِنْ صَرَعَةٍ مُهْلِكَةٍ نَعَشْتِ، وَ مِنْ مَشَقَّةٍ أَرْخَتِ،
لَأَسْأَلُ عَمَّا تَفْعَلُ وَ هُمْ يَسْأَلُونَ، وَ لَأَ يَنْقُصُكَ مَا أَنْفَقْتُ.

خدایا چه بسیار گمان نیکی که جامه عمل پوشاندی و شکستگی نداری را که جبران کردی و بی چیزی توان فرسایی که از من گرداندی و از سقوط هلاکت باری که بلندم کردی و دشواری و سختی که آسان نمودی، تو بازخواست نشوی از آنچه انجام می دهی و دیگران بازخواست شوند و از آنچه هزینه می کنی چیزی کاسته نشود،

وَ لَقَدْ سَأَلْتُ فَأَعْطَيْتِ، وَ لَمْ تُسْأَلْ فَأَبْتَدَأْتِ، وَ اسْتَمِيحَ بَابُ فَضْلِكَ فَمَا أَكْدَيْتِ، أُبَيْتَ إِلَّا إِنْعَامًا وَ امْتِنَانًا، وَ إِلَّا تَطَوَّلًا يَا رَبُّ وَ إِحْسَانًا،
وَ أُبَيْتَ إِلَّا أَنْتِهَاكَ لِجُرْمَاتِكَ، وَ اجْتِرَاءً عَلَى مَعَاصِيكَ؛ وَ تَعَدِيًا لِحُدُودِكَ، وَ غَفْلَةً عَن وَعِيدِكَ، وَ طَاعَةً لِعُدْوِي وَ عَدُوِّكَ، لَمْ يَمْنَعَكَ يَا
إِلَهِي وَ نَاصِرِي إِخْلَالِي بِالشُّكْرِ عَن إِتْمَامِ إِحْسَانِكَ، وَ لَأَ حَجَزَنِي ذَلِكُ عَنِ ارْتِكَابِ مَسَاخِيطِكَ؛

هر آینه اگر از تو درخواست شد، عطا کردی و اگر درخواست نشد، آغاز در عطا نمودی و از پیشگاه فضلت درخواست احسان شد و تو منع نمودی و ناخرسند بودی مگر از نعمت بخشی و اصرار بر رساندن عطا و فزون بخشی و احسان ای پروردگار و من هم ناخرسند بودم مگر از شکستن احترام محرّمات و جسارت بر گناهانت؛ و تجاوز از قوانینت و غفلت از تهدیدت و فرمان بری از دشمنم و دشمنت، ای معبودم و یاورم کوتاهی ام در سپاسگزاری ات تو را از تمام کردن احسانت بر من باز نداشت و این چشم پوشی و بزرگواری، مرا از انجام کارهای مورد خشمت مانع نشد؛

اللَّهُمَّ وَ هَذَا مَقَامُ عَبْدٍ ذَلِيلٍ اعْتَرَفَ لَكَ بِالتَّوْحِيدِ، وَ أَقَرَّ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّقْصِيرِ فِي أَدَاءِ حَقِّكَ، وَ شَهِدَ لَكَ بِسُبُوغِ نِعْمَتِكَ عَلَيْهِ وَ جَمِيلِ
عَادَتِكَ عِنْدَهُ وَ إِحْسَانِكَ إِلَيْهِ، فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي مِنْ فَضْلِكَ مَا أُرِيدُهُ إِلَى رَحْمَتِكَ، وَ اتَّخِذْهُ سَلْمًا أَعْرُجُ فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ، وَ
أَمِّنْ بِهِ مِنْ سَخَطِكَ، بِعِزَّتِكَ وَ طَوْلِكَ؛ وَ بِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ،

خدایا، این است جایگاه بنده ی فرومایه ای که برای تو به یگانگی اقرار کرد و برای خویش به کوتاهی در ادای حق تو و گواهی داد برای تو، به کمال نعمت بر او و شیوه زیبا و دلنشینت نزد او و احسانت بر او، پس به من ببخش ای خدای من و سرور من از احسانت آنچه را که در راه رسیدن به رحمتت می خواهم، تا نردبانش قرار دهم که از آن به سوی خشنودی ات، بالا روم و با آن از خشمت امان یابم، به حق توانمندی و بی نیازی همیشگی ات؛ و به حق پیامبرت محمد (درود خدا بر او و خاندانش)

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ، وَ ذِي أُنَاهٍ لَا يَعْجَلُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي لِنِعْمَاتِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ لِأَلَائِكَ مِنَ
الذَّاكِرِينَ؛

پس تو را سپاس ای پروردگار که توانای شکست ناپذیری و بردباری که شتاب نورزی، درود فرست بر محمد و خاندان محمد و مرا بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار بده؛

إِلَهِي وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ فِي كَرْبِ الْمَوْتِ، وَ حَشْرَجَةِ الصَّدْرِ، وَ النَّظَرِ إِلَى مَا تَقْشَعِرُّ مِنْهُ الْجُلُودُ، وَ تَفْرَعُ لَهُ الْقُلُوبُ، وَ أَنَا فِي
عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ، وَ ذِي أُنَاهٍ لَا يَعْجَلُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي لِنِعْمَاتِكَ مِنَ
الشَّاكِرِينَ، وَ لِأَلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ؛

معبود من چه بسیار بنده ای که صبح کرد و وارد شب شد، در سختی مرگ و به شدت و تنگی نفس زنان و با نگاه به آنچه بدن ها از دیدنش می لرزد و دل ها از آن بی تاب می شود و من از همه این ها در تندرستی و سلامتی هستم، پس تو را سپاس ای پروردگار، که توانای شکست ناپذیری و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار بده؛

إِلَهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أُمْسَى وَأَصْبَحَ سَقِيمًا مُوجِعًا فِي أَنَّهُ وَعَوِيلٍ يَتَقَلَّبُ فِي غَمِّهِ لَا يَجِدُ مَحِيصًا، وَلَا يَسِيغُ طَعَامًا وَلَا شَرَابًا، وَأَنَا فِي صِحَّةٍ
مِنَ الْبَدَنِ، وَ سَلَامَةٍ مِنَ الْعَيْشِ، كُلُّ ذَلِكَ مِنْكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ، وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَيْتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ؛

خدای من چه بسا بنده ای که به شامگاهان و صبحگاهان در آمد، بیمار و دردمند، در ناله و فریاد، در اندوهش به خود می پیچید و راه گریزی نمی
یافت و خوردنی و نوشیدنی گوارایی نمی خورد و من در تندرستی و سلامت زندگی هستم، همه این ها از توست، پس تو را سپاس ای پروردگار
توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهايت
از یادکنندگان قرار بده؛

إِلَهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أُمْسَى وَأَصْبَحَ خَائِفًا مَرُوعِبًا مُشْفِقًا وَجَلًّا هَارِبًا طَرِيدًا مُنْجِرًا فِي مَضِيْقٍ وَمَخْبَأَةٍ مِنَ الْمَخَابِي قَدْ ضَاقَتْ عَلَيْهِ الْأَرْضُ
بِرَحِيْبِهَا، لَا يَجِدُ حِيلَةً وَلَا مَنْجَى وَلَا مَأْوَى، وَأَنَا فِي أَمْنٍ وَطَمَأْنِينَةٍ وَعَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ وَذِي أَنَاةٍ
لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَيْتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ؛

خدایا چه بسیار بنده ای که به شامگاهان و صبحگاهان در آمد، ترسان و هراسان، پریشان و اندیشناک، فراری و رانده شده، خرابه نشینی در تنگنا و
مخفیگاهی از مخفیگاه ها که زمین با فراخی اش بر او تنگ شد، چاره و راه نجات و پناهگاهی نمی یابد و من از همه این ها در امنیت و آرامش و
سلامت کاملم، پس تو را سپاس ای پروردگار توانمند شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر
نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهايت از یادکنندگان قرار بده؛

إِلَهِي وَسَيِّدِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أُمْسَى وَأَصْبَحَ مَغْلُوبًا مُكْتَبَلًا فِي الْحَدِيدِ بِأَيْدِي الْأَعْدَاءِ لَا يَرَحْمُونَهُ، فَقِيدًا مِنْ أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ، مُنْقَطِعًا عَنْ إِخْوَانِهِ
وَوَلَدِهِ، يَتَوَقَّعُ كُلَّ سَاعَةٍ بِأَيِّ قِتْلَةٍ يَقْتُلُ، وَبِأَيِّ مِثْلَةٍ يَمْتَلُ بِهِ، وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ، وَذِي أَنَاةٍ
لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَيْتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ؛

معبود و آقای من و چه بسیار بنده ای که به شامگاه و بامداد در آمد، بسته به زنجیر، پیچیده در آهن آن هم به دست دشمنانش که به او رحم
نورزند، دور مانده از زن و فرزند، بریده از برادران و شهر خویش، هر لحظه انتظار دارد که چگونه کشته خواهد شد و چگونه اعضایش بریده خواهد
گشت و من از همه این ها در سلامت کاملم، پس تو را سپاس ای پروردگار توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان
محمد درود فرست و مرا از سپاس گزاران و در برابر عطاهايت از یادکنندگان قرار بده؛

إِلَهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أُمْسَى وَأَصْبَحَ يِقَاسِي الْحَرْبَ وَ مَبَاشَرَةَ الْقِتَالِ بِنَفْسِهِ قَدْ غَشِيَتْهُ الْأَعْدَاءُ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ بِالسِّيُوفِ وَالرَّمَا حِ وَأَلَّةِ
الْحَرْبِ، يَتَفَقَّعُ فِي الْحَدِيدِ قَدْ بَلَغَ مَجْهُودَهُ لَا يَعْرِفُ حِيلَةً، وَلَا يَجِدُ مَهْرَبًا، قَدْ أَذِنَفَ بِالْجِرَاحَاتِ، أَوْ مُتَشَحَّطًا بِدَمِهِ تَحْتَ السَّنَابِكِ وَ
الْأَرْجُلِ، يَتَمَنَّى شَرْبَةَ مِنْ مَاءٍ أَوْ نَظْرَةً إِلَى أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهَا، وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ،
وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَيْتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ؛

معبودم و چه بسیار بنده ای که به شامگاه و صبحگاه در آمد، درحالی که سختی جنگ و پیکار را با جانش تحمل می کند و دشمنان از هر جانب او
را با شمشیرها و نیزه ها و ابزار جنگ در محاصره آورده اند، در میان آهن تلاش می کند، نهایت کوشش را بکار گرفته، راه چاره ای نمی یابد و
گریزگاهی به دست نمی آورد، از سختی جراحات بیمار شده، یا در خون خویش زیر سم ها و لگدها غلطان گشته، جرعه آبی را آرزو می کند، یا
یک نگاه به اهل و فرزندش را می خواهد، اما توانی بر آن را ندارد و من از همه این ها در سلامت کاملم، پس تو را سپاس ای پروردگار توانای
شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهايت از
یادکنندگان قرار بده؛

إِلَهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أُمْسَى وَأَصْبَحَ فِي ظُلُمَاتِ الْبِحَارِ وَعَوَاصِفِ الرِّيَّاحِ وَالْأَهْوَالِ وَالْأَمْوَاجِ، يَتَوَقَّعُ الْغَرَقَ وَالْهَلَاكَ، لَا يَفْقِدُ عَلَى حِيلَةٍ، أَوْ مَبْتَلَى بِصَاعِقَةٍ أَوْ هَدْمٍ أَوْ حَرَقٍ أَوْ شَرْقٍ أَوْ خَسْفٍ أَوْ مَسْخٍ أَوْ قَذْفٍ، وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ، وَذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِلْآيَاتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ؛

معبود من و چه بسیار بنده ای که به شامگاه و صبحگاه درآید، در تاریکی های دریاها و تندبادها و در دل هراس ها و امواج در حالی که انتظار غرق شدن و هلاکت را می کشد و توان چاره اندیشی ندارد، یا گرفتار صاعقه یا آوار یا آتش سوزی یا گلوگیر شدن لقمه یا فرو رفتن در زمین یا مسخ شدن یا متهم به امر نامشروع است و من از همه این ها در سلامت کاملم، پس تو را سپاس ای پروردگار توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار ده؛

إِلَهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أُمْسَى وَأَصْبَحَ مُسَافِرًا شَاخِصًا عَنْ أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ، مُتَّخِرًا فِي الْمَفَاوِزِ، تَائِبًا مَعَ الْوُحُوشِ وَالْبَهَائِمِ وَالْهَوَامِّ، وَحِيدًا فَرِيدًا لَا يَعْرِفُ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدِي سَبِيلًا، أَوْ مُتَأَذِّيًا بِبَرْدٍ أَوْ حَرٍّ أَوْ جُوعٍ أَوْ غُرَى أَوْ غَيْرِهِ مِنَ الشَّدَائِدِ مِمَّا أَنَا مِنْهُ خَلُوفٌ فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ، وَذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِلْآيَاتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ؛

معبود من چه بسیار بنده ای که به شامگاه و بامداد در حال مسافرت و دوری از همسر و فرزند، سرگردان در بیشه های خشک و سرگشته در میان حیوانات وحشی و چهارپایان و حشرات آن هم بی یاور و تنها، چاره ای نمی یابد و به راهی رهنمون نمی گردد، یا در آزار است از سرما یا گرما، یا دچار گرسنگی یا برهنگی یا غیر این ها از سختی ها و گرفتاری هایی که من از آن ها در امانم و در سلامتی کامل از همه این ها بسر می برم، پس تو را سپاس ای پروردگار توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار ده؛

إِلَهِي وَسَيِّدِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أُمْسَى وَ أَصْبَحَ فَقِيرًا عَائِلًا عَارِيًا مُمْلِقًا مُخْفِقًا مَهْجُورًا جَائِعًا ظَمَانًا، يَنْتَظِرُ مَنْ يُعَوِّدُ عَلَيْهِ بِفَضْلِ، أَوْ عَبْدٍ وَجِيهٍ عِنْدَكَ هُوَ أَوْجَهُ مِنِّي عِنْدَكَ وَ أَشَدُّ عِبَادَةً لَكَ، مَغْلُوبًا مَقْهُورًا قَدْ حُمِّلَ ثِقْلًا مِنْ تَعَبِ الْعَنَاءِ، وَ شِدَّةِ الْعُبُودِيَّةِ، وَ كَلْفَةِ الرَّقِّ، وَ ثِقْلِ الضَّرْبِيَّةِ، أَوْ مَبْتَلَى بِبَلَاءٍ شَدِيدٍ لاقِبَلْ لَهُ إِلَّا بِمَنْكَ عَلَيْهِ، وَ أَنَا الْمَخْدُومُ الْمُنْعَمُ الْمُعَافَى الْمُكْرَمُ فِي عَافِيَةٍ مِمَّا هُوَ فِيهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ، وَذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِلْآيَاتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ؛

معبود و آقای من و چه بسیار بنده ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالی که تهیدست، بی چیز، عریان، نیازمند، پریشان، دچار هجران، گرسنه و تشنه است انتظار می برد که چه کسی به او احسان می کند، یا چه بسا بنده آبرومندی که نزد تو از من آبرومندتر و عبادتش برای تو بیشتر است و درعین حال دچار غل و زنجیر و اسیر دست ستمگر است، بار سنگینی از خستگی و رنج و سختی بیگاری و دشواری بردگی و پرداخت پول سنگین به اربابش بر او تحمیل شده است، یا شخصی که به بلای سختی گرفتار آمده و توان ایستادگی در برابر آن را جز به فضل تو ندارد، اما من مورد احترام دیگران و در نعمت و تندرستی ام و گرمی ام داشته اند، من از آنچه آن در مانده به آن گرفتار است در سلامت کاملم، پس تو را سپاس بر تمام این الطافی که به من بخشیدی ای توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار ده؛

إِلَهِي وَسَيِّدِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أُمْسَى وَأَصْبَحَ غَلِيلاً مَرِيضاً سَقِيمًا مُدْنِفًا عَلَى فُرْشِ الْعِلَّةِ وَ فِي لِبَاسِهَا يَتَقَلَّبُ يَمِينًا وَ شِمَالًا، لَا يَعْرِفُ شَيْئًا مِنْ لَذَّةِ الطَّعَامِ وَ لَا مِنْ لَذَّةِ الشَّرَابِ، يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا، وَ أَنَا خَلُوفٌ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ، وَ ذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ، وَ لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِلْآيَاتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛

معبود و آقای من و چه بسیار بنده ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالی که ناخوش، دردمند و بیمار است و در بستر بیماری و لباس ناخوشی افتاده و از درد به راست و چپ می غلتد و چیزی از لذت خوراکی و آشامیدنی را درک نمی کند، با حسرت به خود می نگرد ولی بر دفع زیان و

جلب سودی توان ندارد و من در سایه جود و کرمت از همه این ها در آرامش هستم، پس معبودی جز تو نیست که توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از عبادت کنندگان قرار بده و بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار بده و به من مهر ورز به حق رحمت ای مهربان ترین مهربانان؛

مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ وَقَدْ دَنَا يَوْمُهُ مِنْ حَتْفِهِ، وَ أَحَدَقَ بِهِ مَلَكُ الْمَوْتِ فِي أَعْوَانِهِ يَعَالِجُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَ حِيَاضَهُ، تَدْوُرُ عَيْنَاهُ يَمِينًا وَ شِمَالًا يَنْظُرُ إِلَى أَحِبَّائِهِ وَ أُوْدَائِهِ وَ أَخْلَائِهِ، قَدْ مَنَعَ مِنَ الْكَلَامِ، وَ حَجِبَ عَنِ الْخِطَابِ، يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا، وَ أَنَا خِلْوٌ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ، وَ ذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي لِنِعْمَاتِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ لِالْآيَاتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَ ارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛

مولایم و سرورم و چه بسا بنده ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالی که به مرگ نزدیک شده و فرشته مرگ در میان یارانش او را محاصره کرده است، در جستجوی درمانی برای سختی های جان دادن و گرداب های آن است، چشمانش به راست و چپ می چرخد، به محبوبان و دوستان و یاران صمیمی اش می نگرند، از گفتار بازداشته و از نوشتن وصیت محروم گشته و از روی حسرت بر خود می نگرند، بر دفع زیان و جلب سود توان ندارد و من از همه این ها به جود و کرمت در آرامش هستم، پس معبودی جز تو نیست، پاکی تو که توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار بده و به حق مهربانی ات بر من مهر ورز، ای مهربان ترین مهربانان؛

مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ فِي مَضَائِقِ الْحُبُوسِ وَ السُّجُونِ وَ كَرَبِهَا وَ دَلَّهَا وَ حَدِيدِهَا تَتَدَاوَلُهُ أَعْوَانُهَا وَ زَبَانِيَّتُهَا فَلَا يَدْرِي أَى حَالٍ يَفْعَلُ بِهِ، وَ أَى مَثَلَةٍ يَمْتَلُّ بِهِ، فَهُوَ فِي ضَرٍّ مِنَ الْعَيْشِ وَ ضَنْكٍ مِنَ الْحَيَاةِ يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا، وَ أَنَا خِلْوٌ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ، وَ ذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ، وَ لِنِعْمَاتِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ لِالْآيَاتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَ ارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛

مولا و آقای من، چه بسیار بنده ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالی که در تنگنای زندان ها و محبس ها و با ناراحتی و خواری در غل و زنجیر به سر می برد و زندانبان ها و دژخیمان او را دست به دست می گردانند، پس نمی داند با او چگونه رفتار خواهد شد و چگونه اعضایش بریده خواهد گشت، پس او در زندگانی در بدحالی سختی است و در نهایت تنگی و مشکل است، با حسرت به خود می نگرند، بر دفع زیان و جلب سود توان ندارد و من به جود و کرمت از همه این ها در امان هستم، پس معبودی جز تو نیست، پاکی تو که توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از عبادت کنندگان و بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار ده و به حق مهرت بر من مهر آر، ای مهربان ترین مهربانان؛

سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ قَدْ اسْتَمَرَّ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ، وَ أَحَدَقَ بِهِ الْبَلَاءُ، وَ فَارَقَ أُوْدَاءَهُ وَ أَحِبَّاءَهُ وَ أَخْلَاءَهُ، وَ أَمْسَى أَسِيرًا حَقِيرًا ذَلِيلًا فِي أَيْدِي الْكُفَّارِ وَ الْأَعْدَاءِ يَتَدَاوَلُونَهُ يَمِينًا وَ شِمَالًا قَدْ حُصِرَ فِي الْمَطَامِيرِ، وَ ثَقُلَ بِالْحَدِيدِ، لَا يَرِي شَيْئًا مِنْ ضِيَاءِ الدُّنْيَا وَ لَا مِنْ رَوْحِهَا، يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا، وَ أَنَا خِلْوٌ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ، وَ ذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ، وَ لِنِعْمَاتِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ لِالْآيَاتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَ ارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛

آقا و مولای من، چه بسیار بنده ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالی که سرنوشتش با سختی گره خورده و گرفتاری او را محاصره کرده و از دوستان و محبوبان و یاران صمیمی جدا افتاده است، شام کرد در حال اسارت، حقارت و خواری در دست کافران و دشمنان، او را دست به دست به راست و چپ می گردانند، در سیاه چال ها زندانی شده و با غل و زنجیر، سنگین گشته، از روشنی دنیا و نسیمش چیزی نمی بیند، با حسرت به خود می نگرند، بر دفع زیان و جلب سود توان ندارد و من از همه این ها به جود و کرمت در آرامش هستم، پس معبودی جز تو نیست، پاکی تو که

توانای شکست ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از عبادت کنندگان و بر نعمت هایت از سپاس گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار بده، به حق مهتر بر من مهر آر، ای مهربان ترین مهربانان؛

وَعَزَّتْكَ يَا كَرِيمُ لَأَطْلُبَنَّ مِمَّا لَدَيْكَ، وَلَأَلْحَنَنَّ عَلَيْكَ، وَلَأَمْدَنَنَّ يَدِي نَحْوَكَ مَعَ جُرْمِهَا إِلَيْكَ يَا رَبِّ فَيَمُنُّ أَعُوذُ؟ وَبِمَنْ أَلُوذُ؟ لَأَأْحَدَ لِي إِلَّا أَنْتَ، أَفْتَرُدُّنِي وَأَنْتَ مُعْوَلِي وَعَلَيْكَ مُتَّكِلِي،

و به حق توانمندی ات ای مهمان نواز، هر آینه از تو درخواست می کنم آنچه از عطایا را که نزد تو است و در این باره بر تو اصرار می ورزم و دستم را با گناهی که در برابر تو دارد، به سوی آستانت دراز می کنم، پس به که پناه ببرم؟ و به که رو کنم؟ کسی را جز تو ندارم، آیا مرا از درگاهت میرانی درحالی که تنها تو تکیه گاه منی و توکلم تنها بر تو است،

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى السَّمَاءِ فَاسْتَقَلَّتْ، وَعَلَى الْأَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ، وَعَلَى الْجِبَالِ فَرَسَتْ، وَعَلَى اللَّيْلِ فَأَطْلَمَ، وَعَلَى النَّهَارِ فَاسْتَنَارَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْضِي لِي حَوَائِجِي كُلِّهَا، وَتَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلِّهَا صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا، وَتُوسِّعَ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ مَا تُبَلِّغُنِي بِهِ شَرَفَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛

از تو درخواست می کنم به نامت که چون بر آسمان نهادی پابرجا شد و چون بر زمین گذاردی آرام گرفت و چون بر کوه ها گذاشتی استوار گشت و چون بر شب نهادی تاریک شد و چون بر روز قرار دادی روشنی گرفت، [خدای من] از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و همه نیازهای مرا برآورده سازی و همه گناهان کوچک و بزرگم را بیامیزی و روزی ام را گسترده سازی، آن رزق و روزی که مرا با آن به شرف دنیا و آخرت برسانی، ای مهربان ترین مهربانان؛

مَوْلَايَ بِكَ اسْتَعْنَتْ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنِّي، وَبِكَ اسْتَجَرْتُ فَأَجِرْنِي، وَاعْنِنِي بِطَاعَتِكَ عَنْ طَاعَةِ عِبَادِكَ، وَبِمَسْأَلَتِكَ عَنْ مَسْأَلَةِ خَلْقِكَ، وَأَنْقُلْنِي مِنَ ذُلِّ الْفَقْرِ إِلَى عِزِّ الْغِنَى، وَمِنْ ذُلِّ الْمَعَاصِي إِلَى عِزِّ الطَّاعَةِ، فَقَدْ فَضَلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ جُوداً مِنْكَ وَكَرَمًا، لَا بِاسْتِحْقَاقٍ مِنِّي.

آقای من از تو یاری می خواهم، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا یاری ده و به تو پناه جستم پس پناهم ده و مرا با طاعت خود از طاعت بندگانت بی نیاز کن و به خواهش از حضرتت از خواهش خلق بی نیازم گردان و از خواری تنگدستی به عزت توانگری و از ذلت گناه به عزت طاعت دگرگون ساز، همانا تو مرا بر بسیاری از مردمان برتری دادی، نه از روی شایستگی من، بلکه از روی جود و کرم،

إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِلْآئِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، {وَأَرْحَمِينَ} أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

خدای من تو را سپاس بر همه این عطاها، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت هایت از شاکران قرار بده و در برابر عطاهایت از یادکنندگان، و به من مهر آور به مهتر ای مهربان ترین مهربانان.

سپس به سجده برو و بگو:

سَجَدَ وَجْهِي الدَّلِيلُ لَوْجْهِكَ الْعَزِيزِ الْجَلِيلِ، سَجَدَ وَجْهِي الْبَالِي الْفَانِي لَوْجْهِكَ الدَّائِمِ الْبَاقِي، سَجَدَ وَجْهِي الْفَقِيرُ لَوْجْهِكَ الْغَنِيِّ الْكَبِيرِ، سَجَدَ وَجْهِي وَسَمْعِي وَبَصْرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَجِلْدِي وَعَظْمِي وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

سجده کرد چهره پست و خوارم برای ذات توانمند بزرگت، سجده کرد روی فرسوده فانی ام و برای ذات همیشگی ماندگارت، سجده کرد روی تهیدستم برای ذات بی نیاز بزرگت، سجده کرد رویم و گوشم و چشمم و گوشتم و خونم و پوستم و استخوانم و همه آنچه زمین از بار وجود من برداشته در برابر پروردگار جهانیان.

اللَّهُمَّ عُدْ عَلَيَّ جَهْلِي بِجَلْمِكَ، وَعَلَيَّ فَقْرِي بِغِنَاكَ، وَعَلَيَّ ذُلِّي بِعِزِّكَ وَسُلْطَانِكَ، وَعَلَيَّ ضَعْفِي بِقُوَّتِكَ، وَعَلَيَّ خَوْفِي بِأَمْنِكَ، وَعَلَيَّ
ذُنُوبِي وَخَطَايَايَ بِعَفْوِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ؛

خدایا بر نادانی من به بردباری ات و بر تهیدستی من به توانگری ات و بر خواری من به توانمندی و سلطنتت و بر ناتوانی من به توانایی ات و بر
ترس من به ایمنی ات و بر گناهان و خطاهای من به گذشتت و رحمتت بنگر ای بخشنده‌ی مهربان؛

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِ فَلَانِ بْنِ فَلَانٍ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ فَكَفِّنِيهِ بِمَا كَفَيْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَكَ مِنْ خَلْقِكَ وَصَالِحِي عِبَادِكَ مِنْ
فِرَاعِنِهِ خَلْقِكَ، وَطُعَاةِ عُدَاتِكَ، وَشَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.

خدایا! من به مدد تو سینه‌ی سخت دشمنم فلان پسر فلان را دفع می‌کنم و از شر او به تو پناه می‌آورم، پس مرا از گزند او بازدار آنگونه که
پیامبرانت و اولیا و بندگان شایسته‌ات را از گزند فرعون‌ها و دشمنان طغیان‌گرت و از شر همه مخلوقات بازداشتی، به مه‌رت، ای مهربان‌ترین
مهربانان، همانا تو بر هر کاری توانایی و خدا ما را بس است و چه نیکو کارگزاری است.